

مکزیک

ایالات متحده مکزیک در آمریکای مرکزی واقع و از شمال به ایالات متحده آمریکا، جنوب به گواتمالا و بلیز و از شرق به خلیج مکزیک و دریای کارائیب و از طرف غرب به اقیانوس کبیر و خلیج کالیفرنیا محدود می‌شود.



مکزیک در شمال قاره آمریکا واقع، با ایالات متحده آمریکا، آمریکای مرکزی، خلیج مکزیک، دریای کارائیب و اقیانوس آرام هم مرز می‌باشد که این موقعیت جغرافیایی به این کشور اهمیت سوق‌الجیشی و استراتژیک ویژه‌ای بخشیده است. ثبات این کشور با توجه به حد فاصل بودن بین منطقه پرآشوب آمریکای مرکزی و ایالات متحده آمریکا بر اهمیت استراتژیک مکزیک افزوده است.

مکزیک در قرن ۱۶ میلادی توسط هران کورتس (Heran Cortes) کشف و تا جنگ‌های استقلال ۲۱-۱۸۱۰ تحت تسلط اسپانیا اداره می‌شد. جمعیت مکزیک را اکثراً نژادهای سرخ ۳۰٪، سفید ۹٪، و دورگه سرخ و سفید ۶۰٪ تشکیل داده‌اند. مکزیک با حدود ۲،۰۰۰،۰۰۰ کیلومتر مربع، سیزدهمین کشور جهان از لحاظ وسعت، یازدهمین از لحاظ جمعیت، و سیزدهمین کشور از نقطه نظر G.D.P به حساب می‌آید. این کشور دارای منابع مختلف شامل مناطق حاصل خیز، مناطق توریستیک، مناطق جنگل و بیابان می‌باشد. اگر چه موقعیت خوب کشاورزی تنها در بخش کوچکی از کشور وجود دارد، اما با افزایش و توسعه سیستم آبیاری، مکزیک در حال حاضر در شمار ۱۰ کشور بزرگ تولید کننده غلات به حساب می‌آید.

سیاست



✓ قانون اساسی، تحولات و ویژگی‌های آن

○ تشکیلات حکومتی

○ تقسیمات کشوری و اداری

○ ساختار سیاسی

✓ چگونگی شکل‌گیری اراده سیاسی

○ احزاب غیرقانونی

○ احزاب قانونی

گروه‌های ذینفع سندیکاها

○ صاحبان صنایع و شرکت‌های بزرگ

○ سیستم انتخاباتی

○ اطلاعات فردی و اجتماعی مقامات مملکتی

✓ سیستم دفاعی

○ جنگ‌های کشور



قانون اساسی، تحولات و ویژگی‌های آن

تشکیلات حکومتی

قوه مجریه

قوه مقننه

قوه قضائیه

تقسیمات کشوری و اداری

ساختار سیاسی

قانون اساسی جدیدی که قانون اساسی ۱۸۵۸ را اصلاح می‌کرد در ۵ فوریه ۱۹۱۷ تصویب و از ۱۹۲۹ تا ۱۹۵۳ اصلاحات دیگری در آن، به عمل آمد. طبق این قانون اساسی، مکزیک، یک جمهوری فدرال است که از ۲۹ ایالت که هر کدام حق اداره امور محلی خود را دارند و یک منطقه فدرال که شامل شهر مکزیکو و دوازده بخش اطراف آن می‌باشد و دو سرزمین کوئینستانارو (Quinstana Roo) و باجا کالیفرنیا (Baja California) تشکیل می‌شود. در مکزیک، حکام، قانون‌گذاران و قضات از طرف مردم انتخاب می‌شوند.

بین ایالات، گمرک وجود ندارد. رئیس جمهور، رؤسای سرزمین‌ها و رئیس بخش فدرال مکزیکو سیتی را انتخاب می‌کند. حقوق افراد از جمله شامل حق رای دادن تمام اتباع بیش از ۱۸ سال که به کار شرافتمندانه‌ای مشغولند، می‌باشد.

به زنان حق تساوی با مردان و حق رای دادن در سال‌های ۱۹۵۲ و ۱۹۵۳ داده شده است. طبق قانون اساسی، قدرت در دست دولت فدرال می‌باشد و قوای مقننه، مجریه و قضائیه از یکدیگر تفکیک شده است. حکومت‌های ایالتی توسط فرماندارانی که به مدت ۶ سال انتخاب می‌شوند، اداره می‌گردد و در بعضی موارد از جمله در تدوین قوانین مالیاتی اختیار تام دارند.

قانون اساسی با تأیید ۲/۳ اعضای هر یک از مجلسین امکان پذیر است. لازم به ذکر است در حال حاضر، دو سرزمین کوئینستانارو و باجا کالیفرنیا به ایالت فدرال تبدیل شده و رؤسای آنها توسط مردم و با انتخابات آزاد انتخاب می گردند.

تشکیلات حکومتی

قوه مجریه

رئیس جمهور در رأس قوه مجریه قرار دارد. وی از طریق آرای عمومی برای مدت ۶ سال انتخاب می شود. رئیس جمهور، اعضای کابینه، دادستان کل و فرمانده ناحیه فدرال را تعیین می نماید. همچنین رئیس جمهور با تصویب سنا مقامات رسمی سیاسی، افسران ارشد و رؤسای دادگاه های عالی را منصوب می کند.

ضمناً حکومت های ایالتی، توسط فرماندارانی که به مدت ۶ سال انتخاب می شوند اداره می گردد و در بعضی موارد از جمله تدوین قوانین مالیاتی اختیار تام دراند.

قوه مقننه

کنگره مکزیکی، مرکب از مجلس نمایندگان و سنا می باشد. اعضای هر دو مجلس بر اساس آرای عمومی در ایالات و مناطق فدرال انتخاب می شوند. اعضای مجلس نمایندگان برای مدت سه سال انتخاب شده و به تعداد آنها بر اساس افزایش جمعیت، اضافه می گردد. اعضای سنا برای مدت شش سال انتخاب می شوند و تعداد آنها دو نفر برای هر ایالت و بخش فدرال تعیین شده است که مجموعاً ۶۴ کرسی می باشد.

تصویب قوانین، برقراری مالیات، اعلام جنگ، قبول یا رد بودجه، انتخاب قضات، قبول یا رد قراردادهای و معاهداتی که با کشورهای خارجی امضا می شود و تصویب انتصابات در کادر دیپلماتیک از جمله اختیارات کنگره می باشد.

مجلس نمایندگان مکزیک نیز جمعا دارای ۴۰۰ کرسی می باشد. حزب پری (Pri) از ۱۹۲۹ تاکنون همچنان اکثریت مطلق را در کنگره حفظ کرده و در تمامی انتخابات ریاست جمهوری به پیروزی رسیده است.

قوه قضائیه

سیستم قضایی مکزیک به دو بخش تقسیم شده است: یکی فدرال جهت رسیدگی به قوانین فدرال و دیگری ایالات که به قوانین هر یک از ایالات رسیدگی می کند.

قضات برای مدت شش سال به وسیله کنگره انتخاب می شوند. دادگاهها شامل یک دادگاه عالی با ۲۱ قاضی، ۶ دادگاه استیناف هر کدام با عضویت ۳ قاضی و ۴۷ دادگاه بخش هر کدام با عضویت یک قاضی تشکیل می گردند. به موجب قانون جزای اول ژانویه ۱۹۳۰، مجازات اعدام برای غیرنظامیان حذف گردید.

تقسیمات کشوری و اداری

مکزیک، یک جمهوری فدرال است که از ۳۱ ایالت و یک منطقه فدرال شامل شهر مکزیکو و دوازده بخش اطراف تشکیل می گردد. پایتخت این کشور، مکزیکو سیتی نام دارد.



هر ایالت، دارای حکمران ایالتی و مجلس ایالتی است که توسط مردم انتخاب می شوند و تمام تشکیلات ایالتی تابع دولت هر ایالت می باشد. بودجه هر ایالت، توسط بودجه کل کشور تعیین می شود ولی نحوه اختصاص این بودجه و چگونگی بهره برداری از آن در بخش های مختلف توسط فرماندار ایالتی و مجلس ایالتی تعیین می گردد.

فرماندار به منظور اداره ایالت، تشکیلات سیاسی، امنیتی تحت عنوان کابینه ایالتی تشکیل داده و هر یک از اعضای کابینه که از سوی فرماندار انتخاب می‌شوند، در محدوده وظایف و مسئولیت‌های محول شده، انجام وظیفه می‌نمایند.

ساختار سیاسی

با توجه به اینکه بیش از ۷۰ سال قدرت سیاسی بدون هیچ گونه تغییری در اختیار حزب پری است، باید محورهای سیاسی قدرت را عمدتاً در رابطه با تشکیلات این حزب مورد بحث و بررسی قرار دهد. این حزب دارای ریشه‌های قوی و پیچیده اجتماعی در جامعه مکزیک بوده و به دلیل اینکه در اوایل سال‌های انقلاب به نام تنها حزب حامی دموکراسی در مکزیک فعالیت نموده، توانسته است یکه تاز صحنه سیاسی کشور باشد.

از طرفی ملت مکزیک که پس از سال‌ها کشتار و استعمار توسط خارجی‌ان از انقلاب و مبارزات سخت و پیگیر خود نتیجه لازم را بدست نیاورده، به پذیرش وضعیت موجود عادت نموده است. همین امر کمک شایانی به حاکمیت طولانی حزب مذکور نموده است.

بعلاوه، رئیس جمهور که معمولاً نماینده حزب حاکم است در راس اهرم سیاسی قدرت قرار دارد و مجلسین سنا و نمایندگان عملاً قدرت‌های خود را در اختیار وی قرار داده‌اند. افزون بر اینها، تشکیلات پیچیده و گسترده کنفدراسیون کارگری که از سوی دولت در مراکز اقتصادی و کارخانه‌ها بنیان‌گذاری گردیده است، توانسته است فعالیت‌های دولت را در بین کارگران که بخش عظیم و تعیین کننده جامعه مکزیک را تشکیل می‌دهند، مشروع جلوه داده و اهداف حزب را تامین نماید.

چگونگی شکل‌گیری اراده سیاسی



ارنستو زدیلو پونس دی لین، رئیس جمهور ۱۹۹۴

احزاب قانونی

حزب انقلابی اداری (Partido Revolucionario Institucional)

حزب پری (حاکم بر مکزیک) یکی از قوی‌ترین و مهم‌ترین تشکیلات سیاسی در آمریکای لاتین محسوب می‌شود. این حزب به دلیل حاکمیت بیش از هفتاد ساله خود بر مکزیک، توانسته است علاوه بر تقویت تشکیلاتی، بر همه شئون و امور جامعه مکزیک تسلط یابد و به دلیل اینکه در اوایل سال‌های انقلاب، تنها حزب دموکراتیک در مکزیک بوده و طی دهه‌های اخیر به عنوان تنها حزب میانه‌رو که از راستگرایی و چپگرایی در مواقع لزوم دوری جسته، توانسته است یک‌تاز صحنه سیاسی کشور باقی بماند.

حزب اتحاد سوسیالیست مکزیک (Partido Socialista Unificado de Mexico)

این حزب از ائتلاف احزاب چپ‌گرا در سال ۱۹۸۱ تاسی گردید و مهم‌ترین حزب چپ‌گرای مکزیک محسوب می‌شود.

اعضای این ائتلاف عبارت‌اند از: جنبش ملی MAP، جنبش اتحاد سوسیالیست MAUS،

حزب کمونیست مکزیک PCM، حزب پوئبلو مکزیک PPM، حزب انقلابی سوسیالیست PSR.

حزب اقدام ملی (Partido Accion National)

حزب اقدام ملی، حزب راست‌گرای دموکراتیک مکزیک بوده که در سال ۱۹۳۹ بنیانگذاری گردید. بر اساس آخرین آمار، این حزب دارای ۶۰۰،۰۰۰ نفر عضو می‌باشد و یکی از احزاب مهم راست‌گرای مکزیک محسوب می‌گردد.

حزب دموکرات مکزیک (Partido Democrata Mexicano)

حزب دموکرات مسیحی PPM در سال ۱۹۷۵ تاسیس و در حال حاضر بالغ بر ۴۵۰،۰۰۰ نفر عضو دارد.

حزب سوسیالیست مکزیک (Partido Mexicano Socialista)

حزب فوق از احزاب چپ‌گرای مکزیک محسوب شده که در سال ۱۹۸۷ تاسیس و بالغ بر ۹۰۰،۰۰۰ عضو دارد.

جبهه دموکراتیک ملی (Forent Democratico Nacional)

در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس مکزیک در سال ۱۹۸۸، جبهه دموکراتیک ملی با ائتلاف احزاب PMS,PARM,MAS و PPS تشکیل شده و توانست ۱۰۱ نماینده از ۵۰۰۰ نماینده مجلس نمایندگان مکزیک را از این ائتلاف به مجلس بفرستد.
احزاب غیرقانونی

حزب سوسیال دموکرات (Partido Social Democrata)

این حزب پس از انتخابات سال ۱۹۸۲، رسمیت خویش را از دست داد و چندان نیز فعال نمی‌باشد.

ارتش فقرا (Ejercito de los pores)

گروه چریکی چپ‌گرای ارتش فقرا، شاخه نظامی جهت فقرا محسوب می‌شود که به طور غیرقانونی در مکزیک فعالیت دارد.

Frente Democratico Oriental de) جبہہ دموکراتیک شرقی مکزیک امیلیانو زاپاتا (

(Mexico Emiliano Zapata)

جبہہ فوق، یک سازمان چریکی غیرقانونی مکزیک محسوب می شود.

لوس تکوس (Los Tecos)

پایگاه اصلی این گروه در دانشگاه گوادالاجارا (Goadalajara) می باشد. گروه فوق به

عنوان گروه افراطی راست تروریست شناخته شده است.

گروه های ذینفع سندیکاها

کنفدراسیون کارگری

کنفدراسیون کارگری مکزیک یکی از ارگان های مهم جامعه مکزیک می باشد. این سازمان

کارگری کلیه سندیکا های کارگران را در نقاط مختلف کشور (بجز تعدادی سندیکا های مستقل از

جمله سندیکای کارگران نفت، مخابرات، دانشگاه ملی مکزیک) تحت پوشش داده و در هر زمان

می تواند از کارگران به نفع یا بر علیه دولت استفاده نماید. اما همواره از این اتحادیه کارگری به نفع

دولت بهره برداری گردیده است و حرکت های کارگری مخالف دولت به طرق مختلف مهار شده

است. آقای فیدل کلاسکز که بیش از ۵۰ سال ریاست این سندیکا را بر عهده داشته یکی از عناصر

قوی حزب حاکم پری محسوب شده و از مهمترین افرادی بود که آقای سالیناس دگورتاری را در

رسیدن به مقام ریاست جمهوری کمک نمود.

صاحبان صنایع و شرکت های بزرگ

در مکزیک، سرمایه داران بزرگ و صاحبان صنایع از جمله محورهای مهم قدرت سیاسی در

جامعه به حساب می آیند. زیرا این افراد، علاوه بر آنکه قدرت اقتصادی کشور را در اختیار دارند،

روابط بسیار نزدیکی با مقامات مهم مملکتی داشته و به این ترتیب از دو بعد سیاسی و اقتصادی سیاست‌های کشور صاحب نفوذ می‌باشند.

در سال ۱۹۸۷ اتحاد دولت به رهبری رئیس جمهور، و کنفدراسیون کارگری به رهبری فیدل کلاسکزو نمایندگان صاحبان صنایع و شرکت‌های بزرگ با برنامه‌ریزی حزب حاکم سبب شد تا در ظرف کمتر از ۹ ماه تورم ۱۵۰ الی ۱۷۵ درصدی مکزیک ابتدا به ۵۲ درصد و سپس با روی کار آمدن دولت جدید به رهبری سالیناس دگورتاری میزان تورم مجددا کاهش و به ۱۷٪ برسد و به این ترتیب احزاب مخالف از این بابت جهت بهره‌برداری علیه حزب حاکم، خلع صالح گردیدند.

نزدیکی آقای سالیناس با این محکوره‌های قدرت سیاسی و اقتصادی، علل اصلی را برای احراز پست مقام ریاست جمهوری وی فراهم آورد. زیرا وی که وزیر برنامه و بودجه کابینه دلامادرید بود، پدرش از اعضای مهم حزب حاکم و نیز سناتور مجلس بوده و از سوی دیگر با رئیس حزب حاکم و شرکت‌های بزرگ روابط بسیار نزدیکی داشت که این امر از جمله علل اعلام سالیناس به عنوان کاندیدای نهایی حزب و سپس پیروزی وی در انتخابات محسوب می‌گردد.

سیستم انتخاباتی

بر اساس قانون اساسی، رای دادن حق وظیفه هر شهروند مکزیک زنی یا مرد بیش از ۱۸ سال به حساب می‌آید. هر حزب که بیش از ۳۰۰۰ عضو در حداقل ۱۶ ایالت از ایالات مکزیک داشته و یا کل اعضای آن بیش از ۶۵ هزار نفر باشد، رسمیت می‌یابد.

حزبی به صورت مشروط رسمیت می‌یابد که حداقل ۴ سال فعالیت داشته باشد. رسمیت مشروط به رسمیت واقعی هنگامی تبدیل می‌یابد که حزب ۱/۵٪ از آرای عمومی را در انتخابات کسب نماید. تمامی احزاب می‌توانند به طور آزادانه به مطبوعات و رسانه‌های گروهی دسترسی

داشته باشند.

بر اساس سیستم انتخاباتی مکزیک، رئیس جمهور با رای اکثریت و به مدت ۶ سال، اعضای مجلس نمایندگان با رای اکثریت به مدت ۳ سال، اعضای مجلس سنا با رای اکثریت به مدت ۶ سال انتخاب می‌شوند. انتخابات عادی ریاست جمهوری در اولین، یکشنبه ماه جولای سال انتخاباتی برگزار می‌شود. اطلاعات فردی و اجتماعی مقامات مملکتی

با توجه به نقش، نفوذ و حاکمیت حزب پری، بسیاری از مقامات مملکتی مکزیک، اعضای این حزب به حساب می‌آیند. و گرایش‌های حزبی نسبتاً شدیدی داشته و تلاش دارند تا با عملکرد خود، علاوه بر دست یافتن به محبوبیت‌های اجتماعی فدری، اعتبار و حیثیت حزب در میان اقشار مختلف جامعه را تحکیم بخشند. این امر در حفظ و تداوم قدرت حزب پری بر مکزیک بسیار مؤثر بوده است. برای مثال، رئیس جمهور کنونی مکزیک آقای کارلوس سالیناس دگورتاری، از حزب پری بوده و از محبوبیت خاصی در میان مردم برخوردار است. به طوری که به عنوان محبوب‌ترین رئیس جمهور مکزیک شناخته شده است. نامبرده در بسیاری از مراسم ملی و مردمی مشارکت فعال داشته و با حضور در میان اقشار مختلف مردم، محبوبیت قابل توجهی برای خود و همچنین حزب حاکم پری کسب نموده است.

رئیس جمهور مکزیک نسبت به گسترش روابط این کشور با جمهوری اسلامی ایران بسیار خوشبین بوده و دولت وی این مهم را باعلاقه‌مندی دنبال می‌نماید. نامبرده در اظهارات رسمی خود، ضمن تاکید بر اهمیت نقش جمهوری اسلامی ایران در منطقه به عنوان یکی از مهمترین کشورهای خاورمیانه، اظهار علاقه نموده است تا روابط بین دو کشور در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گسترش یابد

سیستم دفاعی

ارتش مکزیک تحت کنترل رئیس جمهور می‌باشد که این کنترل از طریق وزیر دفاع اعمال می‌گردد. ارتش نقش مهمی در زندگی سیاسی کشور ندارد و از دهه ۱۹۲۰ به بعد، اقداماتی به منظور کنترل ارتش به وسیله غیرنظامیان توسط حزب حاکم پری و اعمال قدرت ریاست جمهوری در انتخابات افسران عالیرتبه به عمل آمده است.

قدرت دفاعی مکزیک از حیث نظامی چندان قابل توجه نمی‌باشد و این کشور در چند سال اخیر اقدامات متعددی در راستای مدرنیزه ساختن ارتش و قدرت دفاعی به عمل آورده است. وسایل و تجهیزات ارتش مکزیک، به طور اعم، آمریکایی است و اکثر نیازهای تسلیحاتی این کشور از سوی ایالات متحده تامین می‌گردد. مکزیک در هیچ پیمان نظامی عضویت ندارد.

جنگ‌های کشور

جنگ مکزیک با ایالات متحده آمریکا در سال ۱۸۴۶، سبب شد این کشور بالغ بر نیمی از خاک خود را از دست دهد. به این ترتیب هنگامی که در سال ۱۸۳۶ مستعمره نشین‌های مکزیک برای تضمین حقوق اساسی خود مبارزه می‌کردند، مکزیک تگزاس را از دست داد. این کشور قویا با شناختن تگزاس به عنوان یک کشور مستقل مخالفت کرد و وقتی در سال ۱۸۴۵، آمریکا تگزاس را به کشور خود ملحق نمود با این کشور قطع رابطه کرد. پرزیدنت پولک (Polk) به ژنرال تیایلوور دستور داد که از طرف جنوب به طرف ریوگرانده (Rio Grande) پیش برود.

مکزیکی‌ها این عمل را به عنوان تجاوز به خاک خود تلقی کردند و جنگ آغاز شد. مکزیک در جنگ با شکست مواجه شد. نیروهای آمریکا، مکزیکوسیتی را اشغال کردند و بقیه کشور گرفتار هرج و مرج شد. سرانجام به موجب معاهده گوادولوپ (Guadalupe) در دوم فوریه ۱۸۴۸، صلح برقرار شد و مکزیک نه تنها تگزاس، بلکه کالیفرنیا و نواحی وسیع فی‌مابین را به آمریکا واگذار کرد.

روابط خارجی

- ✓ مبانی و اصول سیاست خارجی
 - نقش کشور در سیاست خارجی
 - عوامل داخلی موثر در سیاست خارجی
 - نقش عوامل خارجی موثر در سیاست خارجی
- ✓ روابط با بلوک‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی
 - روابط مکزیک با آمریکا
 - عضویت در مجامع و سازمان‌های بین‌المللی
 - روابط با کشورهای جهان سوم
 - روابط با سازمان‌های آزادیبخش



صف آرایی سیاسی PRI

مبانی و اصول سیاست خارجی

- نقش کشور در سیاست خارجی
- عوامل داخلی موثر در سیاست خارجی
- نقش عوامل خارجی موثر در سیاست خارجی
- اصول سیاست خارجی مکزیک به طور اختصار از این قرار می‌باشند:

- محکوم کردن استعمال قهوه قهریه و طرفداری از حل مسالمت‌آمیز اختلافات

- عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها

- تساوی حقوق بین تمام ملل

- حق تعیین سرنوشت برای کلیه ملل

- منع استعمال سلاح‌های هسته‌ای

مکزیک با استناد به اصول فوق، تلاش نموده است روابط دوستانه و مسالمت‌آمیزی با کلیه

کشورهای جهان بویژه کشورهای منطقه آمریکای لاتین برقرار نماید. نزدیکی و هم‌مرزی با

ابرقدرت قاره (ایالات متحده) سبب شده است سیاست خارجی این کشور همواره تحت‌الشعاع

روابط مکزیک با آمریکا قرار گیرد. به طوری که در تحلیل و بررسی سیاست خارجی مکزیک،

شناخت روابط این کشور با ایالات متحده عامل اصلی در این خصوص به شمار می‌رود.

سیاستمداران مکزیکی از حزب قدرتمند پری همواره از روش معتدل و محافظه‌کارانه‌ای در

سیاست خارجی خود پیروی کرده‌اند و به رغم وابستگی اقتصادی و روابط نزدیک با آمریکا، سعی

کرده‌اند در سیاست خارجی و داخلی خود مستقل عمل نمایند و به این دلیل مکزیک در تحریم

اقتصادی کوبا و جمهوری اسلامی ایران از سوی شرکا شرکت نکرد و از طریق داشتن رابطه

گسترده سیاسی و اقتصادی با کوبا و نیکاراگوئه و نیز حمایت از جنبش‌های آزادی‌خواه، وجهه

خوبی را در میان کشورهای جهان سوم برای خود حفظ کرده است.

نقش کشور در سیاست جهانی

با توجه به موقعیت خاص مکزیک در منطقه آمریکای لاتین، هم‌مرزی این کشور با آمریکا،

نقش و جایگاه آن در اوضاع آمریکای مرکزی، برخوردار از تکنولوژی و صنعت پیشرفته، دموکراسی

پرسابقه و دیرینه، روابط حسنه با کشورهای جهان، تلاش و عضویت در سازمان‌ها و ارگان‌های

بین‌المللی و ... مکزیک از نقش خاصی در سیاست جهانی برخوردار بوده و تلاش نموده است تا با

حفظ استقلال خود، روابط مبتنی بر همکاری و درک متقابل با کشورهای جهان برقرار نماید.

با توجه به اینکه سیاست خارجی این کشور بر اساس عدم مداخله در امور داخلی کشورها و

احترام به حاکمیت ملی در تعیین سرنوشت خود استوار می‌باشد، مکزیک هنگامی که بعضی از

کشورهای عضو O.A.S (سازمان کشورهای آمریکایی)، روابط خود با کوبا را قطع کردند، روابط خود با این کشور را همچنان حفظ نمود.

نقش سیاست خارجی مکزیک در بحران آمریکای مرکزی همواره به عنوان یک میانجی

میان‌رو معرفی شده است. این کشور در سال ۱۹۸۲، طرح صلح لوپس پورتیلوس (Lopez Portillos) را در رابطه با میانجیگری بین کوبا، آمریکا و نیکاراگوئه ارائه نمود که از سوی ایالات متحده این طرح، رد شد.

مکزیک همچنین حمله آمریکا به پاناما را محکوم کرد و طی بیانیه‌ای که در این رابطه از سوی دولت انتشار یافت، تاکید گردید اقدامات و روش‌های ژنرال نوریگا در ارتباط با مواد مخدر و یا موارد دیگر، دلیل موجهی برای حمله و تجاوز نظامی به یک کشور مستقل نیست و مکزیک با توجه به توافق‌های بین‌المللی از جمله کنوانسیون وین و همچنین بر اساس اصول سیاست خارجی خویش همواره جهت حل مشکلات، خواستار حل بحران‌ها از طریق مذاکره و راه‌های مسالمت‌آمیز می‌باشد.

مکزیک در میان بسیاری از کشورهای جهان، بخصوص کشورهای آمریکای لاتین از وجهه بسیار بالایی برخوردار است، در جنبش عدم تعهد نیز به عنوان ناظر شرکت و همکاری نزدیک دارد. این کشور هر چند عضو اوپک نمی‌باشد؛ اما جهت افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی بسیار تلاش نموده و سیاست‌های نفتی خود را با تصمیمات متخذه از سوی این سازمان هماهنگ نموده است.

عوامل داخلی مؤثر در سیاست خارجی

یکی از عوامل حائز اهمیت در گسترش روابط مکزیک با کشورها، نفت می باشد. مکزیک یکی از مهمترین تولیدکنندگان نفت است. این کشور با توجه به اوضاع اقتصادی داخلی، همواره از افزایش قیمت نفت حمایت نموده و با توجه به برخورداری مکزیک از صنایع پیشرفته پتروشیمی و استخراج و اکتشاف نفت، این امر، عامل مهمی در گسترش روابط مکزیک با کشورهای جهان از طریق تامین نیازهای نفتی و همچنین همکاری در خصوص سرمایه گذاری های مشترک، به حساب می آید.

ثبات سیاسی داخلی و استمرار قدرت حزب حاکم پری به مدت بیش از ۷۰ سال، از یک طرف و دموکراسی و آزادی موجود در مکزیک، عامل مهم دیگر در جهت تحکیم و تقویت روابط این کشور در صحنه جهانی محسوب می شود. وفاداری و طرفداری مردم از حزب حاکم و محبوبیت رئیس جمهور و مقامات در بین مردم، سبب تقویت قدرت حزب حاکم از نقطه نظر داخلی گردیده و این امر کمک بسیار زیادی در تعمیق و گسترش روابط مکزیک با کشورهای جهان نموده است.

فعالیت احزاب و سندیکاهاى کارگری که عمدتاً از جانب حاکم پیروی می نمایند، نیز عامل مهم دیگر داخلی و مؤثر در سیاست گذاری های دولت بشمار می رود. احزاب با بهره برداری از مطبوعات و رسانه های گروهی و تریبون های کنگره، دیدگاه های خویش در خصوص روابط خارجی مکزیک را اعلام داشته و تلاش می نمایند از این طریق و یا اعمال فشار بر دولت، نسبت به تغییر سیاست های اتخاذ شده اقدام نمایند.

وضعیت اقتصادی داخلی مکزیک و بهبود شرایط با توجه به سیاست‌ها و رفرم‌های دولت و دستیابی به موافقتنامه‌ای در خصوص حل مسئله بدهی‌های خارجی، عامل مهم دیگر و مؤثر در سیاست خارجی مکزیک محسوب می‌گردد. این امر، تقویت و گسترش روابط تجاری و اقتصادی مکزیک با کشورها بویژه همکاری در زمینه‌های صنعت و انعقاد موافقتنامه‌های همکاری مشترک را به همراه داشته است.

نقش عوامل خارجی مؤثر در سیاست خارجی داشتن سه هزار کیلومتر مرز مشترک با آمریکا و تاثیر و اثرات ناشی از این همجواری، عامل بسیار مهم خارجی مؤثر در سیاست خارجی مکزیک به شمار می‌رود. به طوری که بررسی سیاست خارجی این کشور بدون در نظر گرفتن عامل فوق تقریباً غیرممکن می‌باشد.

موقعیت جغرافیایی مکزیک و نزدیکی و مجاورت با کشورهای آمریکای مرکزی، عامل مهم دیگر در بررسی سیاست خارجی مکزیک محسوب می‌شود که در این رابطه باید به مسئله پناهندگان این کشورهای اعم از قانونی و غیرقانونی اشاره کرد. پناهندگانی که بیشتر از کشورهای السالوادور، هندوراس و گواتمالا به دلیل شرایط اوضاع داخلی این کشور به سمت مکزیک سرازیر می‌شوند.

مکزیک به منظور بررسی و رسیدگی به امور پناهندگان و اسکان آنها در سال ۱۹۸۰، کمیسیون پناهندگان (Mexican Commission for Refugee) را تاسیس و امور مربوط به آنها را به این کمیسیون واگذار کرد. بر اساس آمار منتشره، شمار پناهندگان السالوادوری به مکزیک از ۷۰،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۸۲ به بیش از ۱۲۰ تا ۱۵۰ هزار نفر در سال ۱۹۸۶ افزایش یافته است. در سال ۱۹۸۲ حدود ۴۰،۰۰۰ پناهنده از گواتمالا به مکزیک سرازیر شده‌اند و این

کشور وادار گردید در سال ۱۹۸۴ جهت مقابله به تنش و تشنج مرزی، اردوگاههایی در ایالت کامپچه (Campeche) ایجاد و پناهندگان را اسکان دهد.

بحرانهای آمریکای مرکزی و درگیریها و نزاعهای موجود در منطقه، عامل دیگر موثر در سیاست خارجی مکزیک محسوب می گردد. این کشور تلاش نموده است تا به عنوان یک میانجی معتدل در منطقه عمل نماید. مکزیک به عنوان عضو گروه کنتادورا (همراه با کلمبیا، پاناما، ونزوئلا) از مذاکرات جهت برقراری صلح و پایان بخشیدن به درگیریها در آمریکای مرکزی و خروج کلیه نیروهای خارجی از منطقه حمایت نموده است.

روابط با بلوکهای سیاسی، اقتصادی و نظامی

روابط مکزیک با آمریکا

عضویت در مجامع و سازمانهای بینالمللی

روابط با کشورهای جهان سوم

روابط با سازمانهای آزادیبخش

عضویت مکزیک در موافقتنامه نفتا (Nafta) موافقتنامه منطقه آزاد تجاری آمریکای

شمالی مهمترین گام این کشور در جهت تقویت و تحکیم پیمانهای منطقهای و حل مسائل و

مشکلات اقتصادی، جلب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، خصوصی کردن بانک‌ها و در راستای اصلاحات اقتصادی این کشور محسوب می‌گردد.

این موافقتنامه که در ۱۷ اکتبر ۱۹۹۲ توسط مایکل ویلسون وزیر تجارت خارجی کانادا،

کارلا هیلز نماینده تجاری کاخ سفید و خیم سراپوچه وزیر بازرگانی مکزیک به امضا رسید،

بزرگترین بلوک اقتصادی جهان با حدود ۳۶۰ میلیون نفر مصرف کننده و ۶ هزار میلیارد دلار تولید ناخالص ملی را تشکیل می‌دهد.

در مورد پیشنهاد و سابقه تشکیل چنین بلوکی، اضافه می‌گردد که در مارس ۱۹۸۵ ریگان

رئیس جمهور وقت آمریکا و برایان مالدونی نخست وزیر کانادا در ملاقات خود موافقت نمودند تا

راه‌های امکان تقلیل یا حذف موانع تجاری را مورد بررسی قرار دهند. این تلاش‌ها در ژانویه ۱۹۸۹

به اجرای موافقتنامه منطقه آزاد تجاری بین دو کشور منتهی گردید. آغاز روند پیوستن مکزیک به

این موافقتنامه، متعاقب انتخاب کارلوس سالیناس دگورتاری از حزب حاکم پری به ریاست

جمهوری مکزیک در ۱۹۸۹ بود.

در آوریل ۱۹۹۰، سنای مکزیک گروهی را برای مشورت در خصوص پیوستن این کشور به

موافقتنامه مزبور تعیین نمود.

مذاکرات مربوط به شرایط و مقررات موافقتنامه بین نمایندگان دوستی ۳ کشور در ۱۲

اوت ۱۹۹۲ پایان یافت و در ۱۷ اکتبر ۱۹۹۲ رؤسای سه کشور کانادا، آمریکا و مکزیک در شهر سن

آنتونیوی تگزاس شاهد امضای موافقتنامه ایجاد منطقه آزاد تجاری آمریکای شمالی توسط

نمایندگان سه کشور بودند.

طبق مفاد موافقتنامه، سه کشور در زمینه‌های بهداشت و محیط زیست استقلال عمل خود را حفظ خواهند کرد. این موافقتنامه مشتمل است بر:

۱. حذف حقوق گمرکی کالاها میان سه کشور، در مورد برخی کالاها این اقدام فوراً صورت

خواهد گرفت؛ ولی در مورد برخی از اقلام بتدریج انجام خواهد شد. به عنوان مثال قرار است

حقوق گمرکی محصولات کشاورزی ظرف ۱۵ سال حذف شود.

۲. دسترسی بهتر به بازار مکزیک برای صاحبان صنایع و سرمایه‌گذاران کانادایی و

آمریکایی.

۳. حذف موانع سرمایه‌گذاری آمریکایی در مکزیک و کانادا ظرف ۱۵ سال.

۴. توسعه تجارت در بخش خدمات مالی، بیمه و مخابرات راه دور.

۵. حمایت از مالکیت‌های معنوی، پروانه‌ها و نام‌های تجاری.

روابط با کشورهای جهان سوم

مکزیک تلاش نموده است ضمن حفظ روند رو به توسعه و گسترش روابط خود با

کشورهای صنعتی بویژه آمریکا، روابط خویش با کشورهای جهان سوم را نیز تحکیم بخشیده و

محورهای همکاری با این کشورها را تقویت کند. برخورداری مکزیک از تکنولوژی پیشرفته و

توانایی‌های صنعتی این کشور تحقق این امر را تسهیل کرده است.

آقای سالیناس دگورتاری در اول نوامبر ۱۹۹۲ در چهارمین گزارش سالانه دولت خود به

کنگره، محورهای اساسی روابط خارجی خود را به شرح ذیل اعلام داشت:

- تصمیم جدی دولت به ایجاد تحول در روابط با کلیه کشورها

- اظهار نگرانی از یک قطبی شدن قدرت نظامی در جهان

- عدم تحقق خوشبینی از بین رفتن ناامنی و تشنج‌های بین‌المللی پس از فروپاشی

شوروی سابق - انعقاد قرارداد اخیر تجارت آزاد با شیلی و تصمیم به ادامه این نوع قراردادها با

کشورهای دیگر منطقه از قبیل کلمبیا، ونزوئلا، بولیوی و کشورهای آمریکای مرکزی و پیشنهاد

مشابه اخیر به کشورهای مذکور

- افزایش رابطه با شرق اروپا و ایجاد تحرک در روابط با کشورهای اروپای غربی و مرکزی

- ایجاد رابطه با واتیکان پس از اعلامیه قانون اساسی مکزیک در سال ۱۹۹۲

- توسعه روابط با کشورهای حوزه کارائیب بویژه جمهوری دومینکن و نیز ایجاد رابطه با

کشورهای انگلیسی زبان منطقه و تاکید بر تداوم رابطه با کوبا توام با ذکر احترام‌آمیز ملت آن

کشور

روابط با سازمان‌های آزادیبخش

دولت مکزیک بر اساس اصول سیاست خارجی خود، ضمن محکوم نمودن تبعیض نژادی و

استعمار طلبی، به بسیاری از سازمان‌های آزادی‌بخش جهان اجازه گشایش دفتر و فعالیت داده

است. با تحولات اخیر در آفریقای جنوبی، دولت مکزیک در ۲۴ مارس سال ۱۹۹۲ طی بیانیه‌ای

اعلام نمود که خواستار برقراری مجدد روابط سیاسی با آفریقای جنوبی می‌باشد. بیانیه مزبور

شامل موارد ذیل می‌باشد:

- لغو تحریم صادرات و واردات کالا و خدمات به استثنای جنگ افزار، مهمات یا قطعاتی که

جهت ساخت تسلیحات مورد استفاده قرار می‌گیرد.

- به دارندگان گذرنامه آفریقای جنوبی (جهانگرد، بازرگان و دانشجو) اجازه مسافرت به

مکزیک داده می‌شود.

- شروع مبادلات در سطح وسیع و مذاکره جهت برقراری روابط دوجانبه.

- این بیانیه می‌افزاید که در طول دو سال اخیر، دولت آفریقای جنوبی، قوانین نژادپرستانه را منسوخ نموده است و ما با دیدی مثبت به این قضیه می‌نگریم.

عضویت در مجامع و سازمان‌های بین‌المللی

مکزیک همواره در سازمان‌های بین‌المللی حضور فعال داشته و تلاش نموده است در خصوص مسائل جهانی و منطقه‌ای موضعی مبتنی بر شرایط و با در نظر گرفتن اصول و مبانی سیاست خارجی خویش اتخاذ نماید. عضویت این کشور در مجامع و سازمان‌های بین‌المللی به شرح ذیل است:

- مکزیک از ۷ نوامبر ۱۹۴۵ به عضویت سازمان ملل متحد درآمد است. این بدین معنی

است که مکزیک از بنیان‌گذاران سازمان ملل متحد می‌باشد که در کنفرانس سانفرانسیسکو شرکت داشته است. این کشور علاوه بر سال ۱۹۴۶، از سال ۱۹۸۰ لغایت ۱۹۸۱ عضو غیردائم شورای امنیت بوده است.

- مکزیک طی چند دوره عضو شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد (اکوسوک) بوده است:

۱۹۵۰-۵۲

۱۹۵۷-۵۹

۱۹۶۷-۶۹

۱۹۷۴-۸۵

علاوه بر موارد فوق، عضویت این کشور در آژانس‌های تخصصی سازمان ملل متحد نیز به

شرح ذیل است:

- سازمان بین‌المللی کار (ILO)

- سازمان خوار و بار کشاورزی (FAO)

- سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)

- سازمان بهداشت جهانی (WHO)

- سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری (ICAO)

- اتحادیه پست جهانی (OPU)

- اتحادیه ارتباطات دور (ITU)

- سازمان جهانی هواشناسی (WMO)

- سازمان بین‌المللی دریانوردی (IMO)

- سازمان بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA)

- سازمان جهانی توریسم

- سازمان جهانی

عضو ارکان فرعی بانک جهانی

۱. بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه (IBRD)

۲. انجمن بین‌المللی توسعه (IPA)

۳. همکاری‌های مالی بین‌المللی (IFC) نیز می‌باشد.

عضویت در سازمان‌های منطقه‌ای

الف. اتحادیه تجارت آزاد آمریکای لاتین

ب. هیات دفاعی کشورهای دریایی لاتین (Inter American Devence Board)

ج. سازمان کشورهای آمریکایی (Organization of American States)

د. عضو ناظر در جنبش غیرمتعهدها

روابط مکزیک با آمریکا

سیاست خارجی مکزیک به دلیل هم مرزی با ایالات متحده، تحت الشعاع این امر قرار گرفته است. پس از جنگ مکزیک بین دو کشور و انعقاد موافقتنامه صلح گوادالوپه هیدالگو در سال ۱۹۴۸، آمریکا، مالک تگزاس شناخته شد و نواحی دیگر در شمال غربی مکزیک و شمال رود ریوگرانده از جمله نیومکزیکو و آریزونا به آمریکا واگذار گردید. همچنین آمریکا متعهد شد ۱۵ میلیون دلار به مکزیک بپردازد.

با پیدا شدن نفت در مکزیک در اوایل قرن بیستم و نیاز فراوان آمریکا به این ماده حیاتی، ایالات متحده توجه بیشتری به روابط خود با مکزیک نشان داد و روابط دو کشور توسعه قابل توجهی یافت و متعاقب آن در سال ۱۹۴۲ یک قرارداد تجاری مهم با آمریکا منعقد شد که در تحکیم هر چه بیشتر روابط اقتصادی موثر بود.

در سال ۱۹۷۷، رئیس جمهور وقت مکزیک پورتیلو از آمریکا دیدن کرد و اولین قرارداد

تجاری میان دو کشور پس از ۱۹۴۲ و بعد از بحران نسبی بر سر مسئله کوبا، منعقد شد و در همین رابطه روابط با آمریکا توسعه فراوان یافت.

در فوریه ۱۹۸۵، روابط مکزیک با آمریکا به دلیل قتل یکی از مسئولین اداره مبارزه با مواد

مخدر آمریکا در مکزیک توسط قاچاقچیان مکزیک به سر دی گرائید. در سال ۱۹۸۶، روابط دو

کشور همچنان متشنج باقی ماند و بویژه دلیل عدم موفقیت در حل مسئله مهاجران غیرقانونی مکزیک به آمریکا و ناتوانی مکزیک به کنترل قاچاق مواد مخدر.

در فوریه ۱۹۸۹، آمریکا و مکزیک یک موافقتنامه همکاری جهت مبارزه با قاچاق مواد

مخدر و دستگیری قاچاقچیان امضا نمودند و از آوریل این سال به بعد، روابط دو کشور رو به بهبود نهاد.

مکزیک در میان کشورهای آمریکای لاتین، اهمیت بالایی را در طرح و برنامه‌های اقتصادی

و سیاسی آمریکا دارا بوده است. علت آن را می‌توان به شرح ذیل خلاصه کرد:

- همسایگی و بیش از ۳ هزار کیلومتر مرز مشترک.

- نفوذ و قدرت مکزیک در منطقه و آمریکای لاتین به طور کلی.

- شریک تجاری مهم در تامین نفت آمریکا و بازار مناسب و پر رونقی برای کالاهای

آمریکایی.

- تردد و ورود غیرمجاز مکزیکی‌های جویای کار به آمریکا.

- قاچاق مواد مخدر از طریق مکزیک به آمریکا.

در دوران زمامداری میگل دلا مادرید که از سال ۱۹۸۲ آغاز و در اواخر سال ۱۹۸۸ به

پایان رسید، مناسبات آمریکا و مکزیک همواره دچار نوسان بود. چون مکزیک سعی نمود در

مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی استقلال عمل بیشتری از خود نشان دهد. این کشور ضمن پافشاری

بر مواضع شرقی خویش، اقداماتی نیز برای بهبود روابط و همکاری بیشتر با شوروی و بلوک شرق

به عمل آورد.

در خلال زمامداری دلامادرید، مکزیک تلاش‌های فراوانی به عمل آورد تا بازار یک قطبی آمریکا در این کشور شکسته شود و کشورهای اروپایی و ژاپن تا حدی جایگزین آمریکا بشوند و اقدامات مفیدی در این زمینه صورت گرفت.

در مقابل آمریکا نیز از اهرم‌های قدرت خود بر علیه مکزیک استفاده نمود؛ از جمله سنای آمریکا طرح اخراج بیش از ۴ میلیون نفر کارگران مکزیکی که به طور غیرقانونی در آمریکا مشغول به کارند و یکی از صنایع بزرگ درآمد ارزی مکزیک محسوب می‌شوند، را مطرح نمود. آمریکا همچنین با کمک احزاب راست‌گرای مکزیک، تبلیغت وسیعی را مبنی بر ارسال مواد مخدر از مرزهای مکزیک به آمریکا و یا نقض دموکراسی دولت مکزیک به راه انداخت.

تشنجات در روابط آمریکا و مکزیک تا آن حد تشدید گردید که رؤسای جمهور دو کشور

ناچار شدند برای حل مشکلات فی‌مابین ۵ بار با یکدیگر ملاقات و از بحرانی‌تر شدن مناسبات جلوگیری به عمل آورند.

با انتصاب و روی کار آمدن سالیناس دگورتاری به عنوان رئیس جمهور جدید مکزیک در اواخر ۱۹۸۸ و اعلام سیاست‌هایی در راستای حل عوامل بحران را در روابط دو کشور و همکاری‌های گسترده سیاسی و اقتصادی با آمریکا و همچنین سفر وی به آمریکا و دیدار با بوش رئیس جمهور وقت این کشور، روابط دو کشور رو به بهبودی گذاشت. در نتیجه حکومت بوش

تصمیم به کمک‌های بیشتر به سالیناس برای انجام سیاست‌های جدید اقتصادی و منطقه‌ای اعلام شده و حل مسئله مهم بدهی‌های خارجی مکزیک نمود که از جمله پرداخت وام‌های کلان توسط بانک‌های آمریکایی و مؤسسات مالی جهانی و بخشیدن حدود ۳۵ درصد از مجموع ۵۴/۵ میلیارد دلار بدهی مکزیک به ۱۵ بانک خصوصی و همچنین فراموش شدن طرح اخراج کارگران مهاجر مکزیکی به ۱۵ بانک خصوصی و همچنین فراموش شدن طرح اخراج کارگران مهاجر مکزیکی و

دست برداشتن از جنگ تبلیغاتی زمینه را برای گسترش و همکاری‌های بیشتر دو کشور فراهم

آورد.